



۲۰۱۶/۰۲/۲۸



داکتر محمدآجان مرزی

امکانات صادراتی شدن اقتصاد ملی افغانستان

مقدمه

پس از آنکه حکومت فعلی افغانستان کار اش را آغاز نمود رئیس جمهور اشرف غنی چندین بار گفته است که افغانستان را به یک کشور صادراتی مبدل خواهد نمود. اما هیچ باری تذکر نداده که این کار چگونه انجام خواهد شد. من تا هنوز درین مورد به کدام سند رسمی دسترسی حاصل ننموده ام. به نظر من امکان عملی شدن این ادعا و وعده رئیس جمهور در شرایط کنونی اقتصادی کشور در میان مدت و هم تا حدی دراز مدت وجود نداشته و ایجاد شرایط برای اینکار یک وظیفه سنگین و دراز مدت بوده میتواند. من درین نوشته ام دلایل برای این ادعا ام را روشن نموده و بدین منظور سطح رشد اقتصاد ملی و ساختار تجارت خارجی کشور را به صورت مختصر بررسی و تحلیل خواهم نمود.

خلاصه

افغانستان در حال حاضر یک کشور وارداتی بوده و کسر بیلانس تجارت خیلی زیاد است. به این معنی که حجم واردات به مراتب بیشتر از حجم صادرات است. اقتصاد ملی کشورهای توسعه نیافته در چنین شرایطی با رشد و پیشرفت اقتصادی سریع و یا از طریق استخراج مقدار زیاد منابع معدنی (به گونه مثال نفت) می توانند به کشورهای عقب مانده بوده، سهم تولیدات صنعتی در محصولات ملی بسیار کم است، بخش زیاد محصولات ناخالص داخلی از سکتور زراعت بدست می آید که سطح رشد اش خیلی پائین بوده و سهم تولید عنعنوی در آن زیاد است. بخش بزرگ صادرات کشور محصولات اولیه اند که توانایی رقابت در بازارهای بین المللی را نداشته و قیمت شان درین بازارها رو به کاهش است.

با توجه به سطح رشد زیربنا های اقتصادی و اجتماعی کشور میتوان گفت که افغانستان مقدار زیاد منابع معدنی دارد که قسمت اعظم شان هنوز استخراج نگردیده، تا هنوز در زیر خاک بوده و استخراج شان از یک سو به رشد زیربنا های اقتصادی و از سوی دیگر به تأمین صلح و امنیت در کشور نیاز دارد. همراه با رشد زیربنا های اقتصادی بایست صنعت هم رشد نماید. در عین حال باید اقتصاد ملی قادر به تولید محصولات تعویضی برای کالا های وارداتی باشد. درین صورت این محصولات جایگزین محصولات وارداتی شده میتوانند و در عین حال در صورت داشتن کیفیت معین قادر به رقابت با محصولات مشابه در بازار های بین المللی هم خواهند گردید.

نگاهی به سطح رشد اقتصاد ملی و ساختار تجارت خارجی افغانستان

قبلاً یادآور شدیم که یک کشور زمانی صادراتی است که حجم صادرات اش در مقایسه با واردات اش زیاد باشد. به اساس تحلیل اسناد و ارقام معتبر اقتصادی رشد افغانستان به چنین یک سطح یک مدت زمان خیلی طویل را در بر خواهد گرفت. بر مبنای احصائیه بانک جهانی ارزش مجموعی صادرات کشور در سال ۲۰۱۷ میلادی ۱،۳۵۶ میلیارد دالر و ارزش واردات آن ۱۱،۰۰۵ میلیارد دالر خواهد بود. بدین ترتیب کسر بیلانس تجارت کشور در سال ۲۰۱۷ میلادی ۹،۷ میلیارد دالر پیشبینی گردیده است. این کسر ۳۷،۲ درصد محصولات ناخالص داخلی را تشکیل خواهد داد. در سال ۲۰۱۳ میلادی ارزش صادرات کشور ۰،۷۲۹ میلیارد دالر و واردات آن ۹،۲۴۴ میلیارد دالر بوده و بیلانس تجارت ۸،۵ میلیارد دالر کسر داشت که ۴۱،۹ درصد محصولات ناخالص داخلی را تشکیل میداد (بانک جهانی، ۲۰۱۵).

با توجه به این ارقام رشد بیلانس تجارت افغانستان در جریان چهار سال ۱۳ در صد بوده و اگر رشد سایر عوامل را در سالهای آینده ثابت فرض کنیم و تجارت خارجی کشور هم همانند سالهای گذشته رشد نماید حجم صادرات و واردات کشور بعد از تقریباً سی سال با هم مساوی خواهد بود. اقتصاد ملی کشور درین حالت هنوز هم صادراتی نیست.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

چون سطح رشد زیربنا های اقتصادی افغانستان خیلی پائین است فلذا در صورت موجودیت وسایل کافی مالی حجم واردات کشور در دهه های آینده بلند خواهد رفت زیرا که کشور جهت تأمین رشد و انکشاف اقتصادی به وارد نمودن وسایل تولیدی از خارج نیاز داشته و در آینده هم نیاز خواهد داشت. به عبارت دیگر حجم واردات در آینده نیز در مقایسه با حجم صادرات زیاد خواهد بود.

در بالا دیدیم که بیلانس تجارت افغانستان بین سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ میلادی از دیدگاه محاسبوی رشد خواهد نمود. اما این رشد محاسبوی در هر حالت نشان دهنده رشد حقیقی تجارت خارجی بوده نمیتواند. در برخی حالات کاهش حجم واردات نیز باعث یک نوع تأثیر حسابی مثبت در بیلانس تجارت شده میتواند. به طور مثال کاهش در کسر بیلانس تجارت افغانستان در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سال ۲۰۱۳ میلادی صرف از سبب ازدیاد حجم صادرات نبوده بلکه کاهش حجم واردات نیز باعث کاهش کسر بیلانس تجارت گردید. یک عامل مهم کاهش سطح واردات در کشور اوضاع ناامن سیاسی بود که باعث خراب شدن شرایط برای تولید و مصرف گردیده و به این ترتیب تقاضا به اقلام وارداتی کاهش یافت. در نتیجه باید گفت که در زمان تحلیل تغییرات مثبت و یا منفی در بیلانس تجارت باید عواملی که باعث این تغییرات میگرددند بصورت دقیق مطالعه و بررسی گردند.

ساختار کنونی صادرات کشور نیز امکانات صادراتی شدن اقتصاد ملی افغانستان را در آینده محدود میسازد. قسمت اعظم صادرات کشور ما را میوه جات خشک، قالین و نباتات طبی تشکیل میدهد. در سالهای گذشته در بعضی حالات به خصوص محصولات زراعتی باعث بلند رفتن حجم صادرات کشور گردیده اند. طوریکه سهم صنایع در سکتور زراعتی خیلی کم است و یا به عبارته دیگر چون زراعت تا به حال تا حد کافی میکانیزه نشده است فلذا سطح تولیدات زراعتی و حجم صادرات محصولات زراعتی نیز تا حد زیاد به شرایط اقلیمی وابسته اند. در ضمن ارتجاعیت عایداتی تقاضا به محصولات صادراتی کشور که قسمت اعظم شان را محصولات اولیه تشکیل میدهد در بازار های بین المللی پائین است. بدین معنی که با بلند رفتن عواید تقاضا به محصولات اولیه از دید نمی یابد. از طرف دیگر در کشور های رشد یافته همین اکنون محصولات تعویضی برای محصولات اولیه صادراتی کشور های عقب مانده موجود اند و یا اینکه محصولات مشابه با سطح بلند مؤلدیت به مصرف کم تولید شده میتوانند. از همین سبب تقاضا به محصولات صادراتی کشور در بازار های بین المللی و یا حد اقل قیمت این محصولات در میان مدت روبه کاهش است.

به این ارتباط یک شرط دیگر جهت رشد تجارت خارجی رونما میگردد و آن سطح رشد اقتصاد ملی به خصوص زیربنا های اقتصادی است. یکی از مهمترین شاخص ها برای ارزیابی سطح رشد کشور ها شاخص توسعه انسانی (HDI) است. سطح رشد این شاخص در کشور خیلی پائین است. «رقم این شاخص در سال ۲۰۱۳ میلادی در افغانستان ۰،۴۶۸ بوده و کشور در سطح جهانی جای ۱۶۹ را داشت. این شاخص بین سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۱۳ میلادی در نتیجه عرضه خدمات صحی، تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی و مسلکی به مردم و اولتر از همه در نتیجه کمک های مالی خارجی ۳۷،۲ درصد رشد نمود. اما این رشد نسبی است و بصورت مطلق در مقام بین المللی سطح رشد توسعه انسانی در کشور کدام تغییری رونما نگردیده است» (پروگرام انکشافی ملل متحد، ۲۰۱۴).

شاخص توسعه انسانی سه شاخص فرعی دارد: شاخص امید به زندگی (Life expectancy)، شاخص تعلیم و تربیه و شاخص عایدات. این سه شاخص که سطح رشد شان در کشور خیلی پائین است بالای یکدیگر تأثیر متقابل وارد می نمایند. شاخص امید به زندگی در افغانستان در حدود پنجاه سال است. به همین ترتیب سطح سواد در کشور هم پائین است. « به اساس تخمین های کنونی ۳۱ درصد نفوس بالغ کشور (اشخاص دارنده سن بیشتر از ۱۵ سال) باسواد است.» (دفتر یونیسیف در کابل، ۲۰۱۵).

سطح رشد اقتصادی کشور که معیارش رشد محصولات ناخالص ملی میباشد رو به کاهش است. رشد محصولات ناخالص داخلی افغانستان در سال ۲۰۱۲ میلادی ۱۴،۴ درصد بود و در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۲،۵ درصد پائین آمد (بانک جهانی، ۲۶، ۲۰۱۵، الف). در سالهای پیشین سطح رشد سالانه کشور خیلی متفاوت و نوسانی بوده و از سال ۲۰۱۱ میلادی بدین سو رو به نزول است. رشد سالانه افغانستان تا حد زیاد به چگونگی وضع اقلیمی وابسته است. در سالها ایکه سطح بارندگی در کشور بلند بود، به طور مثال در سال ۲۰۰۹ میلادی، حجم محصولات زراعتی هم زیاد بوده و در نتیجه سطح رشد سالانه هم بلند بود. این خود نشان دهنده آنست که سطح رشد تخنیک در افغانستان پائین بوده و تولید محصولات زراعتی که بخش اعظم محصولات ناخالص کشور را تشکیل میدهند همراه با تغییرات اقلیمی تغیر مییابد. ازدیاد تولیدات زراعتی در سال ۲۰۱۲ میلادی در افغانستان ۱۸،۲ درصد و در سال ۲۰۱۳ میلادی بنابر کمبودی بارندگی ها حتی به منفی ۰،۲ درصد پائین آمد. کشور از همین سبب مجبور است تا به خاطر رفع قلت محصولات زراعتی در داخل مقدار زیاد این محصولات را از خارج وارد نماید (م. مرزی، ۲۰۱۵).

حکومت افغانستان در مورد رشد اقتصادی و اجتماعی کشور نیز در حدود یک و نیم سال قبل اعلام نمود که در مدت شش ماه پلان رشد زیربنا های اقتصادی را ترتیب خواهد نمود. اما درین مورد تا به امروز کدام سند رسمی نشر نگردیده است. قسمی که در بالا دیدیم سطح رشد زیربنا های اقتصادی و بشری کشور خیلی پائین است. این معاذیر در ضمن آن که باعث رشد بطی و کم سایر سکتور ها و بخش های اقتصاد ملی میگردد عامل رشد کم تجارت و تجارت خارجی کشور نیز هستند. محصولات تولید شده در کشور ما آن زمان قابلیت رقابت با محصولات سایر کشور ها را در بازار های بین المللی بدست آورده میتوانند که از یک سو با مؤدیت بلند کار تولید شده و در نتیجه سطح قیم شان بصورت نسبی پائین باشد و از جانب دیگر دارنده کیفیت عالی هم باشند. اقتصاد ملی ما درینصورت قادر به رشد تقاضا برای محصولات ملی ما در بازار های جهانی گردیده، حجم و ساختار اقلام صادراتی تغیر یافته و به سوی صادراتی شدن کشور گام های کوچک اما با ثبات را خواهد برداشت. درینجا قابل یادآوری است که در ساختار اقلام صادراتی کشور از دهه ها بدین سو کدام تغیر قابل ملاحظه به میان نیامده است.

سطح رشد سکتور مالی هم در رشد تجارت خارجی کشور نقش مهم را بازی میکند. امروز در بخش های مختلف این سکتور، چون مدیریت و اداره، توانمندی های مسلکی پرسونل، تفتیش و کنترول درونی، محاسبه، ارزیابی کریدت و در نظر داشت مقررات مالی، مشکلات جدی وجود دارند (سر مفتش ویژه برای بازسازی افغانستان - سیگار، ۲۰۱۴). به این ارتباط بایست به پائین آمدن ارزش افغانی در ماههای گذشته نیز اشاره نمود. یکی از علل عمده پائین آمدن ارزش افغانی کاهش تقاضا به آن است. این مطلب به نوبه خود بیانگر این واقعیت است که اقتصاد ملی کشور با مشکلات جدی مواجه بوده، سطح سرمایه گذاری پائین آمده، اعتماد مردم به افغانی کم گردیده (در برخی از ولایات کشور به عوض افغانی از کددار پاکستانی منحیث وسیله تبادل کار گرفته میشود)، مردم پول اضافی شانرا به شکل اسعار خارجی پس انداز نموده و فرار سرمایه از کشور جریان دارد. فرار سرمایه نیز باعث بلند رفتن تقاضا به اسعار خارجی شده است. این حالت در کشور های عقب مانده بالای تجارت خارجی هم تأثیر منفی وارد میکند. با پائین آمدن نرخ تبادل واحد پولی یک کشور صادرات ارزان شده و قیمت واردات زیاد میگردد. این حالت باعث ایجاد رشد منفی در بیلاس تجارت و تادیات کشور های عقب مانده میگردد. طوریکه قسمت اعظم صادرات افغانستان محصولات اولیه زراعتی بوده و ارتجاعیت تقاضا در برابر قیم برایشان کم است فلذا با پائین آمدن نرخ تبادل افغانی تقاضا به این محصولات بصورت خود به خودی از دیاد نمی یابد. این مشکل هم همراه با سایر مشکلات یاد شده صادراتی شدن اقتصاد ملی افغانستان را به یک وظیفه سنگین و تقریباً غیرممکن مبدل میسازد.

نتیجه گیری

مقامات دولتی افغانستان برای رشد و تکامل آینده کشور تا حد زیاد بر موجودیت منابع معدنی اتکا می نمایند. درست است که افغانستان از نگاه منابع معدنی یک کشور غنی است اما طوریکه قبلاً تذکر دادیم این منابع هنوز استخراج نگردیده و از یک مقدار کم شان منافع اقتصادی بدست می آیند. جهت استفاده اقتصادی از این منابع باید زیربنا های اقتصادی، تخنیک و منابع بشری رشد نمایند. از طرف دیگر رشد این سکتور به سرمایه گذاری های خصوصی و عامه نیاز دارد. وضع امنیتی کشور در حال حاضر یک مانع بزرگ درین راه است. در بالا گفتیم که همین اکنون سرمایه خصوصی در حال فرار از کشور است. دلیل این موضوع صرف اوضاع امنیتی کشور نبوده بلکه از نظر من ضعف قدرت دولتی، فساد اداری، جنگ و ستیزه بالای پست های دولتی و سپردن وظایف به اشخاص غیرمسلکی نیز موانع بزرگ در راه رشد و تکامل کشور اند. سرمایه گذاران خصوصی در چنین حالات به سرمایه گذاری علاقه نشان نمیدهند. بنا بر همین دلایل حکومت افغانستان بعد از بیشتر از چهارده سال کمک های هنگفت مالی خارجی هنوز هم به این کمک ها نیاز داشته و بدون آن توانمندی بقا را نخواهد داشت.

با در نظر داشت توضیحات فوق میتوان گفت که افغانستان در دهه های آینده هم نخواهد توانست که به یک کشور صادراتی مبدل گردد. از نظر من مقامات حکومت افغانستان نباید به ملت وعده های را بدهند که جهت تحقق شان یا اینکه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود نیستند و یا اینکه یک روند درازمدت رشد و انکشاف را ایجاد می نمایند. مقامات حکومتی باید بدانند که ملت حافظه قوی داشته و وعده های داده شده را زود فراموش نمیکند. تحقق نیافتن وعده های داده شده از طرف حکومت باعث کاهش اعتماد مردم در برابر اش میگردد. هر حکومت جهت اجرای وظایف اش به همکاری و پشتیبانی توده های وسیع مردم نیاز دارد. مقامات حکومتی به خصوص رئیس جمهور کشور منحیث یک اقتصاد دان نباید به مردم وعده های احساساتی و تخیلی را بدهد. گام های کوچک هم ما را به اهداف بزرگ رسانیده میتوانند.

از طرف دیگر صرف دادن وعده ها مشکلات را حل نموده نمیتواند. دادن وعده های بزرگ کار آسان است اما عملی نمودن شان وظیفه سنگین خواهد بود. امیدوارم که مقامات حکومتی افغانستان در آینده در زمان دادن وعده در مورد اجرای یک کار مشخص بگویند که این وعده ها را با استفاده از کدام منابع مالی عملی میکنند. در غیر آن گفته ها بی مفهوم و بی نتیجه باقی مانده و صرف شکل احساساتی و تخیلی را خواهند داشت.

منابع

- ۱- معلومات تازه در مورد اقتصاد افغانستان، بانک جهانی، (PDF)، ۲۰۱۵ (Afghanistan Economic Update) (در خط)، اینجا ببینید: <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/21894> (تاریخ دسترسی: ۲۳/۰۲/۲۰۱۶)
- ۲- دفتر یونیسیف در کابل، پروگرام بلند بردن سطح سواد در افغانستان (ELA)، ۲۰۱۵ (Enhancement of Literacy in Afghanistan (ELA) program) (در خط)، اینجا ببینید: <http://www.unesco.org/new/en/kabul/education/enhancement-of-literacy-in-afghanistan-ela-program/> (تاریخ دسترسی: ۲۳/۰۲/۲۰۱۶)
- ۳- اجزای شاخص توسعه انسانی، پروگرام انکشافی ملل متحد، ۲۰۱۴ (Human Development Index and its components) (در خط)، اینجا ببینید: <http://hdr.undp.org/en/content/table-2-human-development-index-trends-1980-2013> (تاریخ دسترسی: ۲۳/۰۲/۲۰۱۶)
- ۴- محمدآجان مرزی، د افغانستان د ملي اقتصاد اوسنی حالت، ۲۰۱۵، (در خط)، اینجا ببینید: <http://www.tolafghan.com/posts/31168> (تاریخ دسترسی: ۸/۱۱/۲۰۱۵)
- ۵- سر مفتش خاص برای بازسازی افغانستان – سیگار (SIGAR)، راپور تفتش ۱۴-۱۶، سکتور بانکی افغانستان: بانک مرکزی در اداره بانکهای تجارتي ضعيف است، ۲۰۱۴، (در خط)، اینجا ببینید: <https://www.sigar.mil/pdf/audits/SIGAR%2014-16-AR.pdf> (تاریخ دسترسی: ۸/۱۱/۲۰۱۵)

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ